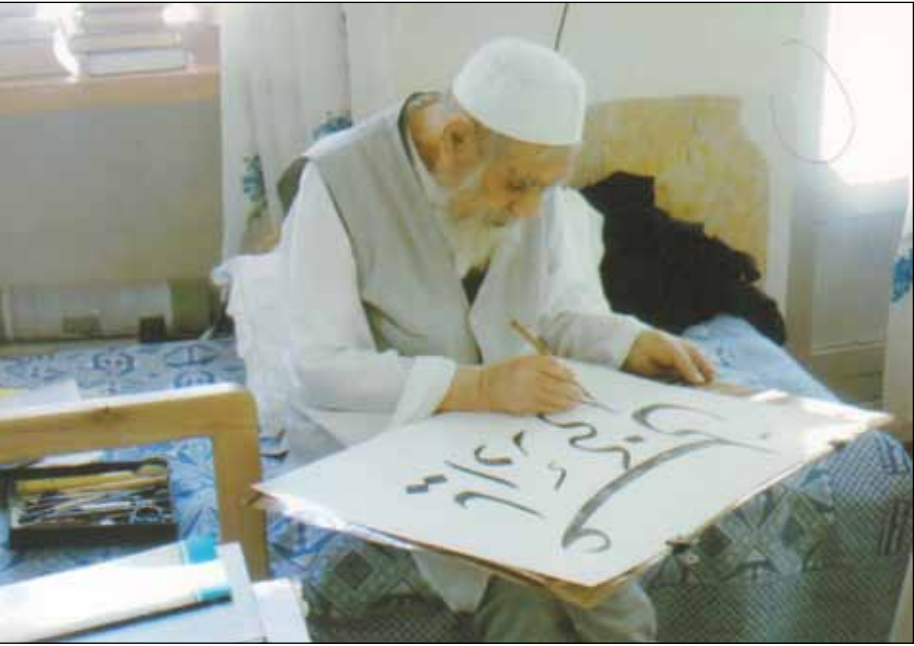


مشرب فکری و هنری «عالمی هنرمند» در گفت‌وگو با مهندس حسین صبوراچی:

# ناگفته‌هایی از سبک‌زندگی آیت‌الله سیدعبدالعلی آیت‌اللهی

## در سالروز درگذشت ایشان



**آفتاب یزد--گروه گزارش:** سید عبدالعلی آیت اللهی، شانزدهم بهمن ماه سال ۱۲۹۹ شمسی در جهرم متولد شد. او از کودکی تحت تربیت پدر آیت‌الله سیدعبدالمحمد وجدش آیه‌الله العظمی حاج سید عبدالحسین ذفولوی نجفی لاری مدارج علمی را طی کرد؛ هم‌زمان با مبارزه پدرش با رضاخان پهلوی خانواده‌او را به شیراز تبعید می‌کنند و او در مکتب‌خانه‌ها، مدارس قدیمی و جدید و حوزه‌های علمیه شیراز، قم و نجف اشرف تحصیلاتش را با فراگیری قرآن و زبان عربی، رساله مختصر اصول دین، حلیه‌المعتقین، معراج السعاده، گلستان سعدی، تاریخ ایران، جامع عباسی، امثله وشرح امثله، شرح تخرید منطومه، شرح اشارات و… در معراج استنادانی همچون آیت‌الله العظمی بروجردی، آیت‌الله العظمی سید صدرالدین صدر و آیه‌الله العظمی سید محمد تقی خوانساری به پایان رسانید و در این مسیر با بزرگانی چون حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی (ره)، سید محمد باقرصدر و آیت‌الله سید امام موسی صدر هم‌دوره و همکلاس بود. آیت‌الله سید عبدالعلی آیت‌اللهی آن‌قدر مورد توجه علما بودند که رهبرمعظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله العالی با تجلیل از ایشان فرمودند: «آن عالم بزرگوار که همچون گذشتگان عالم مقام این بیت شریف، منصف و چهره‌آور یک دفعه هم‌زمان اجتماعی و سیاسی مردم آن سامان بوده و عمر با برکت خود را در خدمت به دین و دنیای مردم سپری کرده‌اند، بی‌شک یکی از ارکان مردمی نظام جمهوری اسلامی در آن خطه بودند و فقدان ایشان خسارتی است که باید به توفیق الهی و با تعقیب نیات و اهداف ایشان جبران گردد.»

این بشر کوهتای از زندگی مرحوم آیت‌الله سید سیدعبدالعلی آیت‌اللهی (ره) امام جمعه فقید لارستان است. یکی از شخصیت‌های بی‌نظیر دوران معاصر از سبک زندگی‌اش برای جامعه‌امروزی ما می‌تواند الگویی مناسب از نظر رفتار، گفتار و منش قرار بگیرد. هفت سال از فقدان این عالم بزرگ می‌گذرد؛ عالمی که خُلق و محضر نیکوی او، چراغ راه جویندگان سعادت و دست ملاحظت بی‌تظاهرش، نوازش‌گر دردمندان بود. آیت‌الله سیدعبدالعلی آیت‌اللهی (ره) جایگاه علمی خود را در طریق خدمت به انسانیت و دیانت به کار گرفت و چهره‌اش را با اشک جاری و دلدادگی به ذوات مقدسه حضرت‌اهل بیت(ع) با هنر بی‌مثالش ماندگار ساخت.

۲۲ خرداد، سالروز درگذشت این عالم وارسته است.

به همین مناسبت به سراغ کسی رقتیم که علاوه بر توفیق حضور در بخشی از زندگی این مرجع عالی‌قدر توانست گردآورنده دو اثرهنری ایشان باشد و چندی پیش هم‌زمان با چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی‌از این آثار در موزه آرشیو ملی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در مراسم باشکوهی با حضور جمعی از مسئولان، نمایندگان مجلس، اعضای شورای شهر تهران، فرمانداری لارستان و اهالی فرهنگ و هنر، شاعران، مداحان اهل بیت و اهالی مطبوعات رونمایی شد. در مصاحبه‌ای که با مهندس حسین صبوراچی در روز رونمایی از جنبه موسوی و برگزاری نمایشگاه نگارستان موسوی به عنوان گردآورنده این آثار داشتیم فهیمیدیم ایشان در کسوت شاکرگردی و نزدیکی در سال‌های حیات به این عالم فرزانه دارای معرفت و شناخت عمیقی از نهضت‌اصیل انقلاب اسلامی با توجه به مدیریت فعلیشان هستند.

امروز توانستیم برای خوشه‌چینی خاطرات این عالم فرزانه به منطقه ۶ شهرداری تهران بیاییم، جایی که از به هم پیوستگی خیابان‌هایش، طولانی‌ترین، مهم‌ترین، پرجاذبه‌ترین و مشهورترین خیابان تهران و همچنین ایران متولد شد؛ انگار قرار است در این گفتگو گذشته و امروز یک دفعه کنار هم قرار بگیرند و همه چیز زنده شود، با همه تفاوت‌هایشان.

بی‌شک حسین صبوراچی از جمله شاگردان و نزدیکان آیت‌الله سیدعبدالعلی آیت‌اللهی (ره) است که در ترویج آثاراین عالم فرزانه نقشی محوری به عهده داشته ولی با وجود نقش پررنگ این شاگرد و همراه توانمند او در رسانه‌ها کمتر دیده شده است و به گفته خودش این نخستین گفتگویی اختصاصی است که به آن پاسخ مثبت می‌دهد. وقتی از شاگرد یک عالم گرفتدر صحبت به میان می‌آید نخستین تصویری که در ذهن نقش می‌بندد فردی جدی، ملیس به لباس روحانیت و بی‌شک یک روحانی است. وقتی برای مصاحبه او را که با آیت‌الله سیدعبدالعلی آیت‌اللهی (ره) در لار پیوندی ناگسستنی داشت به دفتر کارش در قسمت معاونت مالی شهرداری منطقه ۶ تهران رقتم. او چنان با صمیمیتی خاص و با بیانی شیرین به بررسی گوشه‌هایی از این ارتباط و آثار آن پرداخت که گذر زمان را احساس نکردم ماحصل آن گفت‌وگوی تفصیلی از منظر تان می‌گذرد:

**۱۹ در چه سنی و چگونه با مرحوم آیت‌الله سیدعبدالعلی آیت‌اللهی آشنا شدید؟**

یکی از دغدغه‌های دوران نوجوانیم نزدیک شدن و شناخت مردی بود که همه از مجاهدت‌های خاندانش در طول سالیان متمادی از مبارزه با سلطه پهلوی و شکل‌گیری قیام‌های مختلف مردمی به رهبری ایش خاندان گرفته تا نقش آن‌ها در پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، دوران دفاع مقدس و بعد از آن می‌گفتند و برای دیدنش‌ان از راه دور و نزدیک می‌آمدند، کیست؟ کسی که زندگی، تشبیه رفتار و کردارش جاذبه‌ای شد که من نوجوان به سوی شخصیتش کشیده شوم و برنامه آینده‌ام را برقی سنین جوانی شناختم و از آنجا که در زندگی همیشه خلأ عجیب وجود یک راهنمای معنوی را حس می‌کردم، با شرکت در جلسات و سخنرانیهای آیت‌الله سیدعبدالعلی آیت‌اللهی (ره) که به مناسبت‌های مختلف در بیات‌ایشان، مساجد و تکایا برگزار می‌شد، علاقه‌مند و شیفته شخصیت‌های اخلاقی و جهالت علمی و هنری این بزرگوار شدم و سعی می‌کردم در تمام این جلسات حضور فعال داشته باشم و از این طریق توانستم با این عالم فرزانه آشنا شوم و هر چه زمان جلوتر می‌رفت، آشنایی من بیشتر و ارتباط با ایشان مستقیم‌تر می‌شد؛ آشنایی نزدیک ارتباطی مرید و مرادی ایشان عامل بسیار مؤثر در تقویت طرز فکرم بود و عامل مهم ارادت و اخلاص این بود که آرمان فکری خود را در شخصیت و مبانی فکری ایشان می‌یافتم. از این رو در زمهری مریدان و ارادتمندان ایشان جای گرفتیم و به نوعی می‌توان گفت ارتباطهای مرید و مرادی بین ما شکل گرفت و از همین رو طبعاً نوع ارتباطم با ایشان با دیگران تفاوت داشت و می‌توانستم بدون هماهنگی و تعیین وقت قبلی خدمتشان برسم تا زمانی که ایشان در قید حیات بودند محضرشان را ره‌نادرکردم و از وجودشان کمال استفاده را می‌بردم و سعی کردم همیشه در جهت تحقق ایده‌ها و آرمان‌های این عالم فرزانه حرکت کنم.

**۱۹ چه ویژگی‌هایی در آیت‌الله سیدعبدالعلی آیت‌اللهی بود که در دوران حیانتشان و به‌خصوص بعد از انقلاب ایشان را به نفر اول خطه فارس تبدیل کرد؟ خیلی‌ها به جایگاه هنر و سوابق مبارزاتی ایشان اشاره می‌کنند که این ویژگی‌ها را دیگر علمای فارس نیز به نوعی داشتند. آیا وجود این دو ویژگی بود یا ویژگی‌های دیگری نیز در این مورد نقش داشتند؟**

داشتن این دو ویژگی را از تصدیق می‌کنم، ولی اضافه می‌کنم مجموعه ویژگی‌هایی مانند علمیت، شجاعت، صراحت و صداقت ترکیبی بود که چنین جایگاهی را به ایشان بخشید و می‌توان در یک جمله گفت این عالم عاقدیقر اول عامل بود و بعد واعظ. چرا که اگر امری را توصیه می‌کردند اول خودشان به آن عمل می‌کردند. آیت‌الله سیدعبدالعلی آیت‌اللهی- (ره) را نمی‌توانم در شمار هنرمندانی بدانم که همه شجرت و آوازه‌اش را وامداند مبارزات، شعر و خطاطیش باشد؛ بزرگ‌ترین و مهم‌ترین اثری که از ایشان بر جای مانده است، تحول دراندیشه وحدت درفارس است که نقش عطف تاریخی در وحدت اسلامی محسوب می‌شود اما به تفصیل حسن تفاهمی بین شیعه و سنی برقرار کند تا از طرفی وحدت اسلامی تأمین شود و از طرف دیگر با بیان نقاط مشترک، دوستی، محبت و صمیمیت پدید آید و بیت ایشان، با وجود سادگی اش همواره به عنوان منزل و مأوا، به روی همه باز بود و این خط و منشی وحتدرگرایانه، و مردمدارانه سرلوحه‌های مردم و علمای سنی و شیعه بود و صد البته که از این رهگذار شعر و عرفان و خوشنویسی نیز بی‌نصیب نماند و بی هیچ شک در تاریخ عمومی ملت شخصیتی چون ایشان را نمی‌توان یافت که در عین داشتن وجهه سیاسی، تاین‌اندازه شعر و خوشنویسی باشد. او از درس و بحث آغاز کرد و تا تاجوتهداد و امامت جمعه مسئولیت‌دار شد و از خود آثار بسیاری در علوم دینی و فرهنگی و هنری برجا گذاشت. ایشان از نعمت‌های بزرگ خداوند بر لار و به نوعی بر مسلمانان جهان بودند و توانستند در مدت حیانتشان به درستی هر آنچه را که از معارف ناب و علوم حقیقی دریافته‌اند بپوشند به شایستگی به کار گرفتند و همه دوستداران ایشان بر این باورند که شایه‌ها فرشتگان الهی و روزها مردمان از وجودشان بهره می‌برند



دوستداران ایشان در دهم بهمن ماه ۱۳۹۷ در سالن همایش‌های آرشیو ملی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران از این کتاب رونمایی کنیم.

**۱۹ شما علاوه بر دیوان جذبه موسوی در آن روز از کتاب نگارستان موسوی و آثار خطاطی این عالم عاقدیگر در نمایشگاهی در حاشیه این مراسم رونمایی کردید؛ گردآورنده این کتاب نیز شما بودید؟**

قبل از پاسخ به این سؤال جالب است بدانید برای اولین بار که به محضر ایشان در منزلشان رقتیم، غیر از سادگی و بی‌الایشی امام و خدمتگزارى به مردم فاصله نگیری؛ چرا که در جاهایی سیاست با دیانت و اخلاقیات فاصله می‌گیرد و جمع کردن قدرت و سیاست بسیار دشوار است و هر کس قدرت را در دست بگیرد و دچار غرور شود اقدام مهمی را انجام داده است. ایشان همواره به من تاکید می‌کردند در هر کاری که در آینده مشغول می‌شوم کاری باشد که از رفتار بد و گفتار بد واندیشه بد به دور باشد زیرا امتیاز انسان نسبت به سایر موجودات لوج گرفتن، خدایی شدن و ابدی بودن است، و هر قدم دوری از این موارد یک گام نزدیک شدن به خداست.

ایشان در همان ملاقات مرا کنار تختی نشاندهد که نه ظاهری داشت که بوی تشریفات دهد و نه ارزش مادی که شائیه اسراف و تبذیر بگیرد؛ در یک کلام ساده و تمیز و مهربانه که خطوط خوشنویسی آن محیط را با ظرافت و زیبایی هرچه تمام در برگرفته بود و اولین بار بسود که خط اصل را از نزدیک می‌دیدم و روح با هنر انتزاعی در خوشنویسی من را مسحور می‌کرد؛ ایشان پس از آنکه متعجب من گفتمند فلاسفه تنها مقوله‌ای را که در کنار مذهب و عرفان قرار می‌دهند، هنر است و این مقالی است که اهمیت و جایگاه هنر را نشان می‌دهد و خوشنویس در حقیقت صورت کلمات را به تصویر می‌کشد و تازمانی که به عمق معنای نیز نمی‌توانند در قالب صورت، تصویر کلمات را به عمق جان مخاطب خود گسیل بدارد.

ایشان نزد خطاطان بزرگی همچون ملامحمد جعفر مکتب‌دار شیرازی، میرزا محمدحسین مشاق شیرازی و سیدمحمدقدسی خطاط کتاب آثار عجم به تمرین و ممارست پرداخته‌اند و توانسته بودند در انواع خطوط اسلامی استاد و صاحب‌نام شوند. صافی ظرافت، استحکام، قدرت، ملاحظت، شیرینی، نرمی، سطح، و این ویژگی‌ها از جمله مواردی بود در خط زیبایشان که باعث شیفتگی و دلستگي من به هنر خوشنویسی شد. آیت‌الله سیدعبدالعلی آیت‌اللهی(ره) معتقدبودندهنر خوشنویسی، هنری قدسی است و این هنر ارتباط معنوی بسیاری با هنرمند برقرار می‌کند چراکه اگر هنرمند به انمه اظهار(س) معتقد نباشد در چرخه خوشنویسان نمی‌تواند قرار گیرد و می‌گفتند در واقع این حس هنرمنده است که به کاغذ منتقل می‌شود و معنای واقعی هنر قدسی را برای بیننده متصور می‌سازد. ایشان انمه اظهار(س) را خوشنویس می‌دانستند و تاکید داشتند این هنر از سوی آنان ارج نهاده شده و دلیشان هم نمونه‌های آثار خط کوفی منسوب به انمه در موزه استان قدس رضوی بود و معتقد بودند اگر با دقت به خطوط خوشنوسی انمه اظهار بنگریم متوجه خواهیم شد که خطوط کوفی آنان سرلوحه هنر امروز خوشنویسی قرار گرفته‌است.

ایشان به من می‌گفتند بهترین زبان، زبان هنر است که هر هنرمند می‌تواند با تولید اثر، پیامی را به وسیله ناشران به گوش جهانیان برسانند. از آن زمان سعی کردم با گردآوری و نشر آثار به ثبت رسیده از ایشان در مجموعه‌ای به نام نگارستان موسوی پیام این عالم فرزانه را در جهان اسلام منتشر کنم و تاکنون نمایشگاه‌های متعددی از آثار خطی ایشان علاوه بر این نمایشگاه در مناسبت‌های مختلف در مکان‌های متغیر با همین نام به همت دوستدارانشان بر پا کرده‌ایم.

**۱۹ با توجه به اینکه شما در محضر این عالم عاقدیگر بودید، چرا ادامه‌دهنده راه ایشان در بعد روحانیت یا شعر و خوشنویسی نبودید؟**

هر فردی گاهی در زندگی خود مسیری را تعیین و برای دستیابی به هدفش راهی را انتخاب می‌کند، ولی در این مابین، تغییرات و تبدیلات زیادی پیش می‌آید. کمتر پیش می‌آید که کسی از هدف اولیه خودش تغییر مسیر ندهد. ممکن است در طول زمان هدفش تغییر کند، وانگهی در منش و سیره‌ای هم که انتخاب می‌کند، ممکن است تغییراتی پیش بیاید. این امری طبیعی است، من



با وجود اینکه از دوران نوجوانی نزد استاد آیت‌الله سیدعبدالعلی آیت‌اللهی بودم و در این مدت دائم خدمت ایشان می‌رسیدم، می‌توانم به صراحت بگویم ایشان از جمله خدمتگزاران این مردم بودند که از خصوصیات ویژه و منحصر به فردی بهره می‌برند و یکی از تأکیدات ایشان به بنده این بود که موضوع ملیس بودن یا نبودن در خدمتگزارى به مردم موضوعیت ندارد و اصل مسئله، خدمت‌مفیدی است که از صراط مستقیم، صراط خدمتگزارى به مردم و از صراط در راه خدا بودن خارج نشود و همیشه می‌گفتند فرزندم اگر روزی در سیاست وارد شدی و مناصب سیاسی و حکومتی گرفتی سعی کن دچار غرور و تکبر نشوی و از خط امام و خدمتگزارى به مردم فاصله نگیری؛ چرا که در جاهایی سیاست با دیانت و اخلاقیات فاصله می‌گیرد و جمع کردن قدرت و سیاست بسیار دشوار است و هر کس قدرت را در دست بگیرد و دچار غرور شود اقدام مهمی را انجام داده است. ایشان همواره به من تاکید می‌کردند در هر کاری که در آینده مشغول می‌شوم کاری باشد که از رفتار بد و گفتار بد واندیشه بد به دور باشد زیرا امتیاز انسان نسبت به سایر موجودات لوج گرفتن، خدایی شدن و ابدی بودن است، و هر قدم دوری از این موارد یک گام نزدیک شدن به خداست.

**۱۹ گفتید هر فردی در زندگی خود مسیری را تعیین و برای دستیابی به هدفش راهی را انتخاب می‌کند. راه شما کدام نهادن در کدام حوزه خدمت‌رسانی بود؟**

هر کس برای خود تعریفی خاصی از خدمت دارد و بر اساس آن اهداف و آرمان‌ها و جهان بینی و ساختار عقیدتی، اجتماعی خود، در جایگاه شغلی قرار می‌گیرد.

من از آن عالم گرفتاردم بهمندی برخی افراد به شغل و حرفه‌ای که بدان مشغولند، علاقه‌مندند و به آن عشق می‌ورزند و با این عشق نفسشان را عظمت می‌دهند. لذا هرچند آن کار به ظاهر از نگاه دیگران عالی نباشد اما تأثیر خوبی در زندگی آن‌ها می‌گذارد و اساساً عالی که شوق به انجام کاری داشته باشد چون به شرافت نفس معتقد است عمل خود را با سلیقه، افتخار و زیبایی انجام می‌دهد اما عده‌ای شغلشان را صرفاً به جهت ممر روزی و کسب مال و مقام دوست می‌دارند نه شرافت نفس و برای آن حاضر هستند نه در کاری تَن بدهند؛ باید دانست چنین افرادی به شرافت نفس خود مؤمن نیستند لذا نمی‌توانند عظمت نفس خویش را حفظ کنند. من هم نام و منصب شغلی‌ام را سعی نکردم هدف قرار دهم و در اولین گام حرفه‌ای خود در حوزه مدیریت شهری و به‌عنوان شهردار لار سعی کردم خدمت‌رسانی به مردم‌را با شرافت و تقسیم در آمیزم تا بتوانم حق شاگردی را در برابر استادی عاقدیگر به جای آورم.

**۱۹ چه شد که شهردار لار شدید و نظر آیت‌الله سیدعبدالعلی آیت‌اللهی(ره) در خصوص این منصب شما چه بود؟**

من با تحقیقات و پژوهش‌ها و رشته دانش‌گاہیم واستفاده از آموزه‌های این عالم فرزانه در زمینه توقعات مردم از مسئولان و خدمت‌رسانی به آنان در امور شهری به این نکته رسیده بودم که آنچه مردم از شهرداری توقع دارند، اصلاح امور، خدمات، رفع تبعیض و رسیدگی به مشکلات زیست‌محیطی شهر است شهردار باید متخصص در امور شهری باشد و طرح و برنامه برای حل مشکلات شهر داشته باشد و با مدیریت کلاشهرها آشنا باشد و با استراتژی انتخابیشت بتواند راه‌های تأمین منابع و راه‌های خدمت‌رسانی را در مدیریت شهرش پیش‌بینی کند و در یک جلسه شهرداری باید خدمت‌محور برای مردم باشد.

من در آن زمان با حمایت افشاری از مردم و کارکنان شهرداری پس از انتخات شورای شهر در سمت شهردار لار مشغول به فعالیت شدم و در این مقام بسا همکارانم تلاش کردیم به تمام نیازهای راهبردی شهر لار توجه و با مطالعه اصولی و استفاده از امکانات پژوه‌های شهری قابل قبول و مورد نیاز مردم را اجرا کنیم و همچنین با عمل به توصیه‌های این بزرگوار و تلاش همکارانم توانستیم در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی شهر لار در کنار امور شهری کارهای بزرگ و نوپی را انجام دهیم که نتیجه آن قدردانی مسئولان استانی و فرمانداری آن زمان بود. امسا در میان این تشویق و قدردانی‌های مردم و مسئولان ارسال تقدیرنامه آیت‌الله سیدعبدالعلی آیت‌اللهی(ره) در میان تمام تقدیرهای آن زمان از شهرداری لار به دلیل خدمت‌رسانی و رضایت از عملکرد بنده و همکارانم برایم ارزشی شگرف داشت؛ چرا که احساس کردم در هدف یعنی خدمتگزارى به مردم لارستان و عمل به نصایح عالم فرزانه توانستم موفق باشم و بعدها پس از درگذشت آن بزرگوار و حضور در تهران و ادامه فعالیتیم در مدیریت شهری این کلاشهر فهیمیدیم علاوه بر انتخاب شورای شهر با تأییدیه و حکم گرانبهای ایشان به شورای شهر برای انتصاب به عنوان شهردار که از احکام متفاوت و نادر آن روزگار بود توانستم‌ام به عنوان خدمتگزار مردم در سمت شهردار فعالیت‌کنم؛ این حکم‌ومقبولیت‌فعالیتیم نزد ایشان را می‌توانم یکی از افتخارات بی‌بدیل زندگیم برشمارم.

**۱۹ اینک که شما به عنوان معاون مالی یکی از مناطق بزرگ کلاشهر تهران منطقه ۶ فعالیت می‌کنید توانسته‌اید در این جایگاه با توجه به فقدان آیت‌الله سیدعبدالعلی آیت‌اللهی(ره) از آموزه‌های‌های ایشان بهره ببرید؟**

من بر بی‌بدیل بودن آموزه‌های ایشان به عنوان یک استاد و عالم عاقدیگر در هر عرصه شغلی و فعالیت اعتقاد دارم و با صراحت می‌توانم بگویم اثر آموزه‌های ایشان در زندگی شخصی و اجتماعی ایشان با عملشان به من آموزش می‌داند برمی‌گردد، آیت‌الله سیدعبدالعلی آیت‌اللهی (ره) کلام خود را آموزش نمی‌داد بلکه کلام خلقتش را با عملش به من آموزش می‌داد و چون این کلام و عمل وصل به بی‌نهایت است تأثیر آن در هر امری مشهود و تأثیر آن شگرف و عمیق است که همیشه احساس می‌کنم با عمل به اصول آموزشی ایشان می‌توانم در مقابل تمام آسیب‌های فرهنگی، اجتماعی واندهشهای واگسینه شوم و بهتر و راحت‌تر می‌توانم به امور حرفه‌ای خود بپردازم که قطعاً باذهنی و خروجی بهتری نیز از عملکردم دریافت می‌کنم. ایشان انسان را محور تمام فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی واقتصادی می‌دانستند و به من تاکید می‌کردند تمام برنامه‌ها و امکانات شغلی آیت‌اللهی (ره) را مسیری باشد که راه رشد و کمال در آن فراهم است و بتوانم با آن فعالیت زنجیره‌های اسارت و بردگی جسمی و فکری را از خود بگسلانم.

**۱۹ با توجه به اینکه محل سکونت شما و کارتان به تهران منتقل شد آیا هنوز بسا سرزمین لار و مردمانش مانوس هستین؟**

همه عمر بر ندارم سسر از خمار مستی که هنوز من نبودم که تو در دم نستی تو نه مثل آفتابی که حضور غیبت افتد دگران روند و تو همچنان که هستی

من یک لارستانی هستم. به نظر من زادگاه آدم مثل رحم مادر طفل است که جدایی از آن دشوار و مملال انگیز است، قاعدتاً ترک از دیار، جدایی از جایی که هزاران خاطره را از آن داری کاربست بس دشوار، هر چند گاهی به دلیل کسب تجارب و… مجبور هستیم به این مورد تن دهیم اما هر فردی با هویتش زندگی می‌کند و می‌داند که اولین ملدر زندگیست کلاشهر، نمی‌تواند زادگاهش را فراموش کند؛ زادگاه آدمی فقط یک اتاق ساده نیست یک ده، روستا شهر، چهارکله دارو درخت خانه نیست جایی است که اولین نفس زندگی در آن به جیع بلندی برآمده تا تو از آنجا به جهان برایی و من هم از لار برآمدم، زمانی که من به تهران آمدم خیلی ناراحت بودم پادم برستم آیت‌الله سیدعبدالعلی آیت‌اللهی (ره) گفتند: «حبالوطن من الايمان» حس وطن‌دوستی وعلاقه به زادگاهبعداز پرستش‌خوای یکانه، متعال‌ترین مظهر روح انسان ومهم‌ترین نماد عزت و غرور و سرافرازی یک فرد است و گفتند من هم در بره‌های از زندگی خود چنان زادگاهم باشم؛ همه ما دارای غرایز و تقارب و خصایل گوناگون هستیم ولی یکی از خصایل مهم همه ما این است که به مسقط‌الأسر و زادگاه خود عشق و محبت می‌ورزیم و تاکیذ داشتند زادگاه تو لا مار دوم توست. محبت مادر با شیر و محبت لار با اولین نفسش تو آزاد شد، و من را آرام می‌کردند که دوستی زادگاه و ناراحتی فقط برای تو نیست و این از صفات برجسته پیامبران، فلاسفه و شاعران است و کمتر کسی در جهان هست که زادگاه اصلی خود را دوست نداشته باشد مگر محبت مکه در قلب مبارک پیامبر موحی است پس سعی کن با مدیریت کلاشهرها و خود بگیری از در راه خدمت به مردم زادگاهت در آینده‌ای نزدیک به کار ببری؛ من در تهران اینک زندگی می‌کنم اما زادگاه من لار است و هرچه امروز دارم از لار است و شاکر زادگاه و محیط پرورشم هستم و سپاسگزار مردم لار، مردم زادگاهم، پدر و مادر و آیت‌الله سیدعبدالعلی آیت‌اللهی(ره) و خانواده محترمشم بخصوص دوبرادر عزیزم سیدمحمدحسن و سیدمحمدحسین یادگاران آن عالم فرزانه که همیشه چون برادر کنارم بودند و در آنجا هرکدام به نحوی، سهمی در پرورش و شکوفایی من داشته و به هر نحوی به من خدمت کرده‌اند و در مسیر رشد و پرورشم سهمیم بوده‌اند و الان من در تهرانم به عشق لارستان، عشق به آب‌های لارستان، عشق به سر بلندی و عشق به سرافراز بودن مردم همان زادگاه و دجل تولد و پرورشم و این عشق به رفقا مردم لارستان همان یار و ملر که مرا پرورش دادند، باعث می‌شوند دوری‌های فراقدان آیت‌الله سیدعبدالعلی آیت‌اللهی(ره) را از خردانه‌ها سال ۱۳۹۱ تحمل کنم. من از آن سال نام زادگاهم را برای دوستم‌کم که آنجا را از نزدیک دیدند با نام عالم فرزانه می‌شناسام. مانند خیام نیشابوری، حافظ شیرازی، فردوسی طوسی، ابوریحان بیرونی، جمال‌الدین اسدآبادی و… نام زادگاهم اینک آیت‌الله سیدعبدالعلی آیت‌اللهی لاری نام دارد و جزئی از هویت مردمان آن سرزمین است که با او شکل گرفتند، جان یافتند، به حرکت درآمدند و سخن گفتند.

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش
صیحت‌ها خیلی زود به دلیل مشغله مهندس حسین صبوراچی می‌یابد، مهندسی که روزی از نزدیکان یک عالم فرزانه بود و اینک خود چنان استادی در حوزه مدیریت شهری به امید روزی که بتوانیم ما هم در جایگاه شاگردی عالمان فرزانه‌ای قرار بگیریم.